

جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۳، صص ۶۳-۵۳

فهم ردپای کنشگر سبز در شعر سهراب سپهری با عنوان «آب را گل نکنیم»

سعید مبین شهیر^۱، صفر حیاتی^۲، ابراهیم محمدپور^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
Saeedmobayyen@gmail.com

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
s.hayati@tabrizu.ac.ir

۳- دانش آموخته مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

چکیده

ادبیات یک جامعه بخشی از فرهنگ مکتوب آن به شمار می‌روند که دربر دارنده عادات، رسوم و بسیاری از عناصر فرهنگ مهم جامعه و مشکلات آن بوده و حتی جامعه آرمانی نویسنده یا شاعر را نشان می‌دهند. هدف این پژوهش فهم رد پای کنشگر سبز در شعر «آب را گل نکنیم» سهراب سپهری، یکی از شاعران نام‌آشنای ایران زمین است. در بررسی رد پای «کنشگر سبز»، از توسعه پایدار، حفاظت جمعی از محیط زیست، مکتب محیط زیست گرایان رادیکال، نظریه جامعه مخاطره آمیز و زیست بوم گرایی سخن به میان آمده است. در این مقاله شعر منتخب سهراب به روش هرمنوتیک که به معنای هنر تفسیر کردن است، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش ذیل مفاهیم «حال و آینده سبز»، «شیطان سبز؛ مصنوع انسان»، «رهایی بخشی کنش جمعی؛ باهم بودگی سبز» و «همان بودگی زمین؛ همان بودگی انسان» می‌گنجد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شعر سهراب، آینه تمام‌نمای توسعه پایدار و توجه به آیندگان است. این شعر، در عین همگانی دانستن دفاع از محیط زیست، متذکر پیامدهای سیاهی می‌شود که خود کنشگران می‌توانند آن را به وجود بیاورند. در بوران این سیاهی، سهراب در پی کنشگر سبز، کنشگری از جنس خود طبیعت است.

واژگان کلیدی: آب را گل نکنیم، توسعه پایدار، سهراب سپهری، کنشگر سبز، هرمنوتیک.

مقدمه و بیان مسئله

ادبیات هر ملتی، دربردارنده جهان بینی، ارزش ها و باید و نبایدهایی است که فرهنگ زمان نویسنده و شاعر را به تصویر می کشد؛ گاه در این میان، نویسنده یا شاعر فراتر از فرهنگ می رود و چون سخن دل در پرده کلمات می پوشاند، آن را به عنوان گنجینه ای برای آیندگان باقی می گذارد که همان " تجلی آرمان های او در قالب نظام الفاظ " (بطحایی، ۱۳۸۱: ۱۶۱) است.

از گذشته، شعر به عنوان یکی از شناخته شده ترین صورت های ادبیات هر ملتی در زندگی خواص و عامه تاثیر داشته است. این تاثیر را می توان در همه جنبه های زندگی اعم از سیاسی، محیطی، زیبایی شناختی، اجتماعی، اقتصادی و دیگر ابعاد جستجو کرد. به عنوان مثال می توان به نقش شاعران در دوره تیموریان در گسترش آموزه های شیعی (بنی اسدی، عظیم زاده تهرانی، مهدوی دامغانی، ۱۴۰۲) یا نقش آن ها در جنبش مشروطیت (فروتن و موذنی، ۱۳۹۶) اشاره کرد. بر همین اساس است که بررسی شعر شاعران، به ویژه شاعران مشهور و با نفوذ، حائز اهمیت است. از روی دیگر، شاعران به عنوان روشنفکران جامعه، چشمانی بینا تر از عامه دارند و با ذوق هنری خویش، آنچه که مردم نمی بینند در قالب کلمات و به شیوه هنرمندانه ای بر زبان می آورند. طبیعت و چگونگی نگاه به آن به عنوان بخش جدایی ناپذیری از انسان که حیات و مماتش در آن رقم می خورد، در شعر اغلب شاعران مورد توجه بوده است. برای مثال کتاب رویکرد عرفانی مولانا به محیط زیست (رئوف، ۱۳۹۷) جایگاه انسان در طبیعت و نحوه کنشگری او را در نگاه مولانا نشان می دهد. همچنین « در اشعار شعرای سنت گرا از رودکی، فردوسی، منوچهر دامغانی و ... گرفته تا شهریار و پروین و بهار و چه در آثار شاعران نوگرا مانند نیما یوشیج، شاملو، اخوان ثالث، فروغ و ... طبیعت با تمام جلوه های رنگ رنگش » (امجدیان، ۱۴۰۱: ۱) خودنمایی می کند.

در هر دوره ای و سرزمینی، افرادی بوده اند که دنبال مشخص کردن رابطه بین خود و طبیعت اطرافشان بوده اند. اینکه چگونه باید با محیط اطرافشان تعامل کنند و چگونه بر آن تاثیر بگذارند. برای مثال در شعر «کسی به فکر گل ها نیست... کسی به فکر ماهی ها نیست» از فروغ فرخزاد (۱۳۸۳: ۳۵۶ به نقل از سلیمی کوچی و سکوت جهرمی، ۱۳۹۳: ۹۸) فروغ حداقل در معنای ظاهری شعر خود، گل ها و ماهی ها را و به طور کلی محیط اطرافش را به چشم می کشد؛ حتی اگر معنای واقعی شعر او چیز دیگری باشد که در این صورت نیز باز از مهم بودن اجزای طبیعت در شعر او کاسته نمی شود.

سهراب سپهری - که در این مقاله یکی از اشعار او را بررسی می کنیم - در ۱۵ مهرماه ۱۳۰۷ در کاشان متولد شد (ایمن، ۱۳۹۹). در نوجوانی پدرش را از دست داد و در سال ۱۳۳۰ نخستین مجموعه نیمایی خود را با عنوان مرگ رنگ منتشر کرد. در کتاب آوار آفتاب او می توان طبیعت گرایی او را دنبال کرد (آزمند، ۱۳۹۷: ۷-۹).

در این مقاله به فهم کنشگر سبز در شعر او می پردازیم؛ کنشگری که نه تافته جدا بافته از طبیعت بلکه جزئی از آن است و با اجزای دیگر تفاوتی در زنده بودن با محیط اطرافش ندارد. تفاوتی که انسان با طبیعت دارد، به تفاوت ماهوی او باز می گردد که در عین برهم زدن تعادل می تواند به حفظ تعادل نیز منجر شود. بر همین اساس این مقاله با استفاده از روش هرمنوتیک به این سوال می پردازد که از نگاه شاعر، کنشگر در مواجهه با محیط اطرافش چگونه باید عمل

کند. این سوال در غرب نیز با گسترش انقلاب صنعتی و رویارویی انسان با برخی مسائل، برای اندیشمندان اهمیت پیدا کرد.

اروپا در آستانه انقلاب صنعتی، جامعه ای روستایی بود و بیش از سه چهارم مردم آن در کشتزارها زندگی می کردند. آسیاهای بادی، نیروی انسان و حیوان و چرخ های آبی، تنها منابع نیرو در جامعه پیشا صنعتی بودند (کوریک، ۱۳۹۸: ۹-۱۰). اما به تدریج پای طبیعت همچون دیگر عوامل در زندگی انسان به میان کشیده شد و انقلاب صنعتی به وقوع پیوست. زادگاه این انقلاب «انگلستان قرن هجدهم بود که از موهبت جمعیت، منابع طبیعی، اختراعات، پول و ... برخوردار بود» (همان: ۱۷).

در چنین زمانی، بهره برداری از محیط زیست، جنگل، دریا و معادن، افزایش پیدا کرد به طوری که در دهه آخر قرن بیستم میلادی، جامعه بشری به شدت درگیر مسائل و مشکلات زیست محیطی و خطرات آن بود. آلودگی هوا، فرسایش خاک، نابودی جنگل ها و مراتع، کاهش و آلودگی شدید آب و ... از جمله این مشکلات بودند (ولایتی و کدیور، ۱۳۸۵: ۵۴).

چنین مشکلاتی باعث به وجود آمدن اعتراض هایی دامنه دار در غرب شد. امروزه، صندوق جهانی حیات وحش، دوستان زمین و صلح سبز، بخشی از سازمان های جنبش زیست محیطی هستند که برای اقدام موثر در برابر تخریب زیست بوم و افزایش آلودگی به وجود آمده اند. این سازمان ها در این اصل مشترکند که سوء استفاده از قدرت توسط شرکت ها و سیاست نا مناسب حکومت ها باعث به وجود آمدن چنین مشکلاتی شده است (مشیرزاده و هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

در ایران نیز مشکلات زیست محیطی و از بین رفتن منابع طبیعی، رو به رشد بوده است. به طوری که «با توجه به اینکه بیش از حدود ۴ دهه از اجرای اولین طرح جنگلداری در شمال کشور می گذرد، در طول سال های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۶، ۴۷ درصد و در طول سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۳، به مقدار ۷۰۱ درصد از عرصه های منابع طبیعی کاهش یافته است» (امیری لمر، مرادمند جلالی، ۱۳۹۳: ۳۱۰). پژوهش دیگری نشان می دهد که در ایران استفاده از منابع تجدید پذیر آب بیش از حد مجاز است (اسلامی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۴۳۰).

چارچوب مفهومی و پیشینه تجربی

محیط زیست به فرض سابقه کاربرد آن در فرانسه به قرن دوازدهم میلادی می رسد (عنابی و جلالی، ۱۳۹۷: ۳). بر اساس ماده یک قانون حفاظت از محیط زیست انگلستان مصوب ۱۳۹۰ میلادی «محیط زیست شامل همه یا بخشی از عناصر تشکیل دهنده محیط طبیعی اعم از آب، هوا و خاک چه در سطح و چه در عمق، در حالت طبیعی یا محیط انسان ساخته است» (همان). همچنین ماده ۲ کنوانسیون مسئولیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست مصوب ۱۹۹۳ محیط زیست را شامل «منابع طبیعی اعم از تجدید پذیر و ناپذیر مانند هوا، آب، خاک و کلیه جانوران و گیاهان و تاثیر متقابل این عوامل بر یکدیگر، اموال و دارایی هایی که جزء میراث فرهنگی باشند و مناظر و چشم اندازهای ویژه می داند» (همان). اکوسیستم نیز طبق گفته (حاج غنی و احمدی، ۱۳۹۴: ۶۰) مجموعه

موجودات زنده و محیط پیرامون آن را در یک منطقه مشخص شامل می شود. پس همان طور که مشخص است، آب از عناصر مهم در تعاریف محیط زیست است که بازتاب روشنی در شعر آب را گل نکنیم داشته است. تاکنون مطالعات مختلفی برای نشان دادن رابطه محیط زیست و ادبیات انجام شده است. مطالعه (قاضی زاده، ۱۳۸۳)، سهراب را غرق شده در طبیعتی می داند که در آن از دنیای سیاه فاصله گرفته و به نور رسیده است. او در طبیعت دنبال منبع نوری است که دنبال کردن آن به کشف دنیای ماورائی منجر می شود. این پژوهش، طبیعت، انسان و نور را در کنار هم می بیند و به رابطه کنشگر با طبیعت عنصر سومی با ابعاد عارفانه اضافه می کند.

در مطالعه (رزاقی اصل و مهرداد، ۱۳۹۱: ۷۸)، حفظ اکوسیستم های طبیعی و همسازی و سازگاری پایدار میان اکولوژی، مردم و شهر، هسته مرکزی تفکرات سهراب سپهری است.

مطالعه (پارساپور و فتوحی، ۱۳۹۲) نشان می دهد که نگاه سهراب به طبیعت از عرفان اسلامی و آیین های خاور دور تاثیر پذیرفته است. برای مثال، پرهیز از آزار موجود زنده از آموزه های اخلاقی هندوئیسم و بودائیسم وام گرفته شده است. سهراب در اشعار خود انسان را جزئی از طبیعت می داند که باید برای حفظ نظم موجود تلاش کند. این مطالعه بیان می کند که اشعار سپهری مروج احترام به همه مخلوقات - هرچند کوچک - است.

پارساپور (۱۳۹۵) همچنین در کتاب ادبیات سبز، به شعر آب را گل نکنیم از دیدگاه نقد بوم گرا نگاه کرده است. در این پژوهش به تفاوت شهر و روستا در آلوده نکردن آب یا هدر ندادن آن اشاره شده است. ارزشمند بودن آب برای همه موجودات و نقش زیبایی شناختی آن نیز اشاره شده است.

در مطالعه ای با عنوان آموزش محیط زیست و شعر معاصر فارسی (عباسی و رضایی، ۱۳۹۷) سعی شده است نگاه شعر معاصر نسبت به محیط زیست و جایگاه و چگونگی آموزش محیط زیست در آن، با محوریت شعر سهراب سپهری، به عنوان آغازگر این جریان، نشان داده شود. نتایج نشان می دهد که شعر به مثابه رسانه ای برای آموزش رفتار با محیط زیست مطرح می شود.

مطالعه (میرزا بابازاده فومشی، ۱۳۹۹) به نگاه سپهری و امرسن به طبیعت پرداخته است. یکی شباهت های تفکر این دو شخص، نفوذ طبیعت در نظریه شعری شان است با این تفاوت که امرسن، طبیعت را دارای ارزش ابزاری می داند و سهراب مخالف چنین نگاهی است. در نگاه سهراب، طبیعت دارای ارزش ذاتی است و منافع آن برای انسان معیار ارزش گذاری نیست.

مطالعه (مصطفائی و عالی زاد، ۱۳۹۹) با عنوان «رابطه انسان و طبیعت در اندیشه و شعر معاصر: مطالعه تطبیقی - جامعه شناختی شعر سهراب سپهری و مهدی اخوان ثالث» نشان می دهد که نظم مندی طبیعت در شعر سهراب جایگاه ویژه ای دارد. همچنین این مطالعه نشان می دهد وجه ممیزه اشعار سپهری، توجه به تمامی عناصر طبیعی و ارجح نداشتن یکی بر دیگری یا اهمیت دادن به کل طبیعت است. این مقاله بیان می کند که طبیعت گرایی در شعر سهراب و اخوان، ایرانی است؛ بدین معنا که طبیعت گرایی غربی، واکنشی به عقل ابزاری بوده است در حالی که طبیعت گرایی ایرانی آمیخته با جریان زندگی روزمره تعریف می شود که دارای نمودهای معماری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

پژوهش (ادیب راد، یوسف فام، جعفریه، ۱۴۰۰) به این سوال پاسخ می دهد که زیست بوم زمانی شاعران چه تاثیری بر اشعار آنان داشته است. پژوهش به صورت تطبیقی زیست بوم را در شعر سهراب سپهری و منوچهر آتشی از منظر نقد بوم گرا تحلیل کرده است. یکی از نتایج مهمی که این پژوهش به آن دست یافته است، لزوم توجه به طبیعت و بیان بحران های زیست محیطی است. همچنین این پژوهش همزمان با بیان لزوم پرداختن به محیط زیست، اشعار سپهری و آتشی را هشداری برای حفاظت از محیط زیست در برابر آثار مخرب رشد صنعت و پیشرفت های فناورانه می داند؛ همان چیزی که اندیشمندان غربی پس از انقلاب صنعتی و با پیشرفت تکنولوژیکی و تولید انبوه به فکر آن افتادند.

روش شناسی

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، روش هرمنوتیک، یکی از روش های کیفی (پرهام نیا، ۱۳۹۸: ۱۲۳) است که از ریشه هرمنین یونانی به معنی تاویل گرفته شده است (کاکویی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۸). این مقاله چون تفهم را در اولویت قرار داده است، معناکاوای شعر «آب را گل نکنیم» را انجام داده است. اهمیت تفسیر و به طور کلی هرمنوتیک تفسیری از جایی ناشی می شود که ذهنیت محقق در پیوستگی با متن است و فهم موضوع به مثابه پدیده انسانی در علوم انسانی تفهمی جای دارد. از این روست که فاصله گذاری بیگانه ساز که از جمله ضرورت های روش های پژوهشی تجربی است، در علوم انسانی، موضوع علوم انسانی را به ابژه ای بیگانه تبدیل می کند (عباس زاده و بشیر پور، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

در این پژوهش، شعر مورد بررسی به صورت هدفمند انتخاب و به جای نمونه گیری، تمام شماری ابیات انجام شده. به جای رسیدن به اشباع نظری، مقایسه های لازم بین خود شعر و عناوین موجود در یافته ها تا زمانی که تفسیر جدیدی پیرامون موضوع به دست نیاید، انجام گرفته است. نهایتاً برای دستیابی به اعتبار یافته ها، یافته ها توسط دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز در رشته های جامعه شناسی و مهندسی آب بررسی و تایید شد.

یافته ها و بحث

بعد از بررسی شعر آب را گل نکنیم، مضامین جامعه شناختی متناسب با کنشگر سبز در چهار عنوان آورده شده است.

حال و آینده سبز

شعر سهراب، در توجه تمام و کمالی که به دیگر انسان ها دارد، مفهوم توسعه پایدار را - که یکی از پر استفاده ترین مفاهیم در علوم گوناگون است - به ذهن متبادر می کند. برای توسعه پایدار تعاریف گوناگونی مطرح شده است که به دو مورد اشاره می شود. در تعریف نخست، «توسعه پایدار به معنای ادغام اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به منظور به حداکثر رساندن رفاه انسان در زمان حال بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای برآوردن نیازهایشان» است (OECD, 2001: 11). همچنین در تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه که برای اولین

بار این اصطلاح را به کار برد، «توسعه پایدار را به عنوان توسعه ای تعریف کرد که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد مشکلی در توانایی نسل های آینده در برآوردن احتیاجات خود تامین می کند» (مehشواری، ۱۳۷۸ به نقل از زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۴۹).

حال و آینده سبز با توسعه پایدار لینک می شود. توسعه پایدار « بهبود واقعی کیفیت حیات بشر و رسیدن به رشد اقتصادی و اجتماعی را همزمان با حفظ تنوع زیست محیطی مورد توجه قرار می دهد... در توسعه پایدار، حق بر محیط زیست سالم نیز مد نظر است» (رمضانی قوام آبادی، شفیق فرد، ۱۳۹۵: ۲۶۶). حال و آینده سبز از آنجایی با توسعه پایدار مرتبط می شود که در بحث توسعه پایدار چالش هایی چون فقر، تهی شدن منابع، آلودگی، تغییرات جهانی آب و هوا، و ... (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۵۷-۶۰) وجود دارد که با اقدامات انسانی از سویی و محیط زیست از سوی دیگر در ارتباط است.

در شعر آب را گل نکنیم (سپهری، ۱۳۷۸: ۳۴۵-۳۴۶ به نقل از قاسمی، ۱۳۹۸: ۲۷۳)، سهراب در عین اینکه به مصرف برای رفع نیاز اشاره دارد، به پایداری نیز توجه می کند. گل نکردن آب، به زمانی باز می گردد که شخصی بخواهد از آب استفاده کند. دلیل اینکه سهراب از گل نکردن آب حرف می زند این است که ممکن است یک موجود دیگر مثل یک کبوتر، در حال نوشیدن آب باشد، درویشی در حال خیساندن نان خشکش در آب یا فردی در حال پر کردن کوزه اش باشد. سهراب به آینده نزدیکی اشاره دارد که در آن ممکن است فردی یا موجودی از آب استفاده کند. با توجه به تعریف توسعه پایدار، باید اقداماتی انجام داد تا اهداف مختلف برای رسیدن به حداکثر رفاه انسان ترکیب شوند و در عین حال نسل های بعد نیز بتوانند نیازهایشان را برآورده کنند. به معنای ساده تر، رسیدن به رفاه به هر قیمتی، توسعه پایدار معنا نمی شود. اینکه منابع از بین بروند و نسل کنونی در رفاه زندگی کنند، زندگی نسل های آینده را به خطر خواهد انداخت.

"آب را گل نکنیم" در عین اینکه می گوید باید از آب استفاده کنیم (چون وقتی کنار آب هستیم که بخواهیم از آن استفاده کنیم) و به تامین نیاز در حال حاضر اشاره دارد، گل آلود کردن آن را نیز منبع می کند و استفاده از آب را منوط به آسیب نرساندن به دیگران می داند. دیگرانی که در آینده و با جاری شدن آب به سمت آنها، از آن استفاده می کنند. از آنجایی که «بهره برداری انسان از منابع طبیعی همواره به صورت یک جانبه و بی رویه بوده و بدون رعایت جنبه های حفاظتی و تنها بر اساس تامین منافع کوتاه مدت انجام می گیرد» (رسایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱)، سهراب چشم بر منافع کوتاه مدت بشری می پوشد و به شیوه ای هنرمندانه از آینده حرف می زند. آینده نه به صورت واژه بلکه به صورت عنصری پنهان در لا به لای کلمات قابل فهم است. وقتی سهراب از کلمه فرودست استفاده می کند که گفتی در آن آب می خورد، به آن طرف ها اشاره دارد که آب بعد از طی زمانی و در آینده به آن جا می رسد و اگر آلوده باشد، پرنده نمی تواند از آن استفاده کند. سهراب به صورت واضح تر از عبارت "بیشه ای دور" استفاده می کند که کلمه دور در آن نشان می دهد که آب مدت زمانی طول می کشد تا به آن جا برسد. پس بعد زیست محیطی توسعه پایدار در شعر سهراب مشهود است.

گیدنز توسعه پایدار را این طور تعریف می کند که « توسعه پایدار به این معناست که، رشد دست کم به لحاظ آرمانی،

باید به نحوی دنبال شود که باعث بازیافت منابع مادی شود و نه تهی ساختن آن ها، و سطوح آلودگی را به حداقل ممکن برساند» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۸۳). با توجه به این تعریف از توسعه پایدار، سهراب به آلودگی آب حساس است. او می خواهد آب طوری مصرف شود که دیگرانی هم بتوانند از آن استفاده کنند.

شیطان سبز؛ مصنوع انسان

با توجه به نظریه "جامعه مخاطره آمیز" اولریش بک، جوامع مدرن اولیه با بسیاری از تهدیدات مثل شرایط بد آب و هوا دست و پنجه نرم می کردند. این تهدیدات غیر قابل کنترل برای بشر آن روز، ممکن بود منابع غذایی را از بین ببرد یا باعث بیماری شود. به تدریج، صنعتی شدن و گسترش پزشکی باعث کنترل بیشتر انسان بر محیط زندگی شد و او را به آینده خوش بین کرد. انسان فکر کرد که با همین روند در آینده بر مخاطرات فائق خواهد آمد اما در حدود ۲۵-۳۰ سال آخر قرن ۲۰، مخاطرات دوباره ظاهر شد با این تفاوت که این بار زیان ها خلق شده به دست انسان بودند. جوامع به واسطه نقص های نیروگاه های هسته ای یا تغییرات آب و هوایی ایجاد شده توسط انتشار امواج به اتمسفر تهدید شد. (بروس و یارلی، ۲۰۰۶: ۱۸ به نقل از احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۵). نتیجتاً، بخش عمده ای از مخاطرات امروز، حاصل اقدامات بشری است. قسمتی از این مخاطرات، ماهیت زیست محیطی دارند و همچون شیطانی هستند که انسان خود آن را ایجاد کرده، پرورش داده و نهایتاً خود نیز تحت تاثیر پیامدهای ناگوار آن قرار گرفته است.

گیدنز در کتاب خود به آلودگی آب به عنوان یکی از تهدید های محیط زیست جهانی پرداخته است. او تهدید ها را به دو قسم کلی آلودگی ها و تمام شدن منابع تجدید ناپذیر تقسیم کرده است. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۸۷). منظور گیدنز از آلودگی آب به طور کلی «آلوده شدن منابع آب به عناصری مثل مواد شیمیایی و معدنی سمی، کودهای شیمیایی و سموم ضد آفات و فاضلاب تصفیه نشده» است. چنین مسئله ای در کشورهای توسعه یافته و فقیر به شکل های متفاوتی بروز می کند به طوری که در «کشورهای فقیر شبکه های آبرسانی توسعه نیافته باقی مانده اند و زباله ها و مواد زائد انسانی اغلب به طور مستقیم در نهرها، رودها و دریاچه ها خالی می شوند... که موجب بیماری های گوناگونی مثل اسهال، اسهال خونی و هیپاتیت می شود... در کشور های صنعتی آلودگی آب غالباً به علت استفاده زیاد از کودها در نواحی کشاورزی است» (همان: ۸۹۰).

با توجه به متن بالا، چه در کشورهای توسعه یافته و چه کشورهای فقیر، انسان، عامل آلودگی محیطش و به ویژه آب است و وقتی سهراب زبان به نصیحت باز می کند، "انسان ها" را با گفتن "آب را گل نکنیم" مورد خطاب قرار می دهد. با توجه به نظریه اولریش بک با عنوان جامعه مخاطره آمیز، ما در شعر سهراب نیز، کنشگر را بسیار مهم می یابیم و متوجه سهم انسان در ایجاد مخاطرات می شویم. سهراب، آلوده کننده را انسان می بیند. این انسان است که باعث می شود یک کفتر یا همنوعش نتواند از آب گل آلود استفاده کند.

رهایی بخشی کنش جمعی؛ باهم بودگی سبز

باهم بودگی به معنای پاسداری همگانی از محیط اطرافمان است و کلمه سبز اشاره به محیط زیست و منابع طبیعی دارد. پاسداری همگانی از محیط زیست اصل مهمی در جامعه جهانی امروز به شمار می رود. اصل ۵۰ قانون اساسی ایران به این اشاره دارد که «همه نهادها در حفاظت محیط زیست به عنوان یک امر عمومی گسترده مسئول باشند» (فریادی، ۱۳۹۶: ۲۰۸).

(همان) اشاره دارد که اصل ۷۱ قانون اساسی اکوادور، همه اشخاص خصوصی و عمومی را مسئول حفظ طبیعت و تضمین حقوق آن می داند. از طرفی «رهیافت های اکولوژیکی در طی دهه های اخیر به حقوق محیط زیست کمک کرد تا به حفاظت از حوزه های متعدد محیط زیست متمرکز شود» (Yilmaz Turgut, 2008 به نقل از همان: ۲۱۱). برای حفاظت از محیط زیست رویکرد های مختلفی تا به امروز ارائه شده است که مهم ترین این رویکردها، رویکرد دولت محور، رویکرد بدون دولت و رویکردهای همکاری گرایانه یا مشارکتی است. رویکرد نخست سنتی و رویکرد دوم غیر واقع گرایانه است. امروزه سازمان ها و قانون گذاران دریافته اند که تضمین حفاظت از محیط زیست منوط به دوری از سیاست های نفع طلبانه و غیر مشارکتی است. بر همین اساس، رویکرد مشارکتی جایگاه ویژه ای پیدا می کند (مشهدی، ۱۳۹۵: ۶۲-۷۶) که به پاسداری همگانی و دخیل شدن همه کنشگران و سازمان ها در حفاظت از محیط زیست بر می گردد.

مخاطب شعر سهراب، همه کنشگران است زیرا که در شعر مورد بررسی همه افعال، جمع است سهراب با گفتن مکرر آب را گل نکنیم، حفاظت همگانی از محیط زیست را به همه گوشزد می کند.

همان بودگی زمین؛ همان بودگی انسان

زیست بوم گرایی، پدید آورنده هویت نوینی است که نوع بشر را عنصری از طبیعت می داند (کاستلز، ۱۳۸۲: به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴). در شعر آب را گل نکنیم، انسان جزئی از طبیعت است نه فراتر از آن. بنابراین این نگاه با نگاه محیط زیست گرایی که در آن «رشد و اقتصادی و بهره برداری از منابع حد و مرزی ندارد و کره زمین از امکانات بی پایانی برای حفظ و بازسازی خود برخوردار است» (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۲-۸۳) در تقابل است. در مکتب زیست مدارانه تیلور، اصلی تحت عنوان وابستگی اکوسیستمی انسان به طبیعت وجود دارد که بیان می کند گونه انسان به همراه دیگر گونه ها، عناصر منسجم یک سیستم به هم وابسته هستند که فرصتشان در چگونگی بهره مندی از زندگی بر اساس شرایط فیزیکی محیط زیست و روابطشان با دیگر جانداران تعیین می شود (زین العابدین عموقین، قربانی نژاد، ۱۴۰۱: ۶). اینجاست که زندگی همه عناصر در روابط با یکدیگر جریان پیدا می کند و انسان با صدمه زدن به محیط در واقع به خودش صدمه می زند زیرا که اجزای اکوسیستم به قدری به هم وابسته هستند که تغییر یک جزء به تغییر همه اجزا منجر می شود. محیط زیست و منابع در این نگاه عین خود انسان ها هستند و آسیب دیدنشان، آسیب دیدن خود انسان ها را به دنبال دارد.

شعر آب را گل نکنیم با آوردن «دست درویشی شاید نان خشکیده فرو برده در آب» نشان می دهد که اگر ما در

فرا دست رودخانه دست به تخریب منابع بزیم و به اصطلاح آب را گل کنیم، در جای دیگری، آب آلوده یا منابع از بین رفته باعث به وجود آمدن نابسامانی برای دیگر انسان ها خواهد شد و حیاتشان را به خطر خواهد انداخت. درویش در این شعر، انسان دیگری است که به سبب گل آلود شدن آب توسط ما، دچار زحمت می شود.

کلام پایانی

شاعران و نویسندگان به عنوان چشمان بینای جامعه، حساسیت خود را در قبال مسائل جامعه در بدن کلمات جاری می کنند. سهراب به عنوان یکی از شاعران شناخته شده معاصر ایران، شعر خود را با طبیعت و عناصر آن پیوند زده است و در بال پرندگان، روشنی پرتو آفتاب و گاه در صدای پیوسته و آرام جویبار نمایان می شود. او در شعر آب را گل نکنیم، در پی انسانی عجین شده در سبزی برگ های درختان و جاری در آب روان رودخانه هاست. سهراب در این شعر در فراخوانی عمومی برای بشر، همه را دعوت به استفاده آراسته و به اندازه از محیط زیست می کند و پیامد تخریب آن را با جلوه های گوناگون اخلاقی درهم آمیخته، به ما نشان می دهد. شعر آب را گل نکنیم، کنشگران را به ملاحظه دیگر انسان ها و حتی دیگر موجودات در استفاده از منابع دعوت می کند و در نگاه موشکافانه، همه کس را مسئول حفظ طبیعت می داند و اینجاست که مرز بین انسان و طبیعت شکسته می شود و انسان نه به عنوان خدای بلامنازع طبیعت که عنصری تاثیرگذار از عناصر بشمار آن تصویر می شود. نگاه معطوف به آینده سهراب، در عین تشویق به مصرف برای برطرف کردن نیاز و مراقبت از آسیب نرسیدن به منابع، توسعه پایدار را به ذهن مخاطب متبادر می کند. همچنین سهراب هم صدا با اولریش بک در این شعر با صدایی رسا و در لطافت شاعرانه، به کنشگران تلنگر می زند که می توانند مسئول از تعادل خارج شدن طبیعت باشند اما باز این خود آنها هستند که توانایی فائق آمدن بر مشکلات خودساخته شان را دارند.

منابع فارسی

۱. احمدی، حبیب، دهقانی، رودابه (۱۳۹۴). آراء و اندیشه های اولریش بک (نظریه پرداز جامعه مخاطره آمیز). توسعه اجتماعی. دوره ۱۰. ش ۲. ص ۱۰۱-۱۲۶.
۲. ادیب راد، نرگس، یوسف فام، عالی، جعفریه، مهناز (۱۴۰۰). تاثیر زیست بوم های مختلف زمانی در اشعار سهراب پهری و منوچهر آتشی از منظر نقد بوم گرا. آموزش محیط زیست و توسعه پایدار. سال ۹. ش ۳. ص ۱۴۷-۱۶۷.
۳. اسلامی، روح الله، رحیمی، احمد (۱۳۹۸). سیاست گذاری و بحران آب در ایران. سیاست های راهبردی و کلان. دوره ۷. ش ۳. ص ۴۱۰-۴۳۴.
۴. امجدیان، هنگامه (۱۴۰۱). تفاوت شعر طبیعی با شعر درباره طبیعت و خوانش مانیفست شعر سبز. شیرین و شکر. سال ۱. ش ۱. صص ۱-۲۰.
۵. امیری لمر، مسعود، مرادمند جلالی، عقیل (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی (مطالعه موردی: حوضه ۹ سفارود). توسعه پایدار جنگل. دوره ۱. ش ۴. ص ۳۰۹-۳۲۰.
۶. آ. کوریک، جیمز (۱۳۹۸). انقلاب صنعتی. مترجم: مهدی حقیقت خواه. تهران: ققنوس. ۱-۱۴۲.

۷. آزمند، مریم، عبدالحی، محبوبه، محمدی، احمد (۱۳۹۷). تحلیل محتوایی اشعار سهراب سپهری. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور (مرکز تبریز). ص ۱-۱۰۳.
۸. بطحایی، سیدهاشم (۱۳۸۱). شعر و نقش آن در جامعه. دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران). دوره ۵۲. ش ۱۶۴. ص ۱۶۱-۱۸۲.
۹. بنی اسدی، محمدرضا، عظیم زاده طهرانی، طاهره، مهدوی دامغانی، محمود (۱۴۰۲). نقش شاعران در پیدایش و گسترش باورهای شیعی در دوره تیموری. تاریخ نامه ایران بعد از اسلام. دوره ۱۴. ش ۳۵. ص ۳۵-۱.
۱۰. پارساپور، زهرا (۱۳۹۵). ادبیات سبز: مجموعه مقالات در نقد بوم گرایانه ادبیات فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ص ۱-۱۳۵.
۱۱. پارساپور، زهرا، فتوحی، فرناز (۱۳۹۲). تاثیرپذیری سهراب سپهری از عرفان شرق در حوزه اخلاق زیست محیطی. ادبیات پارسی معاصر. سال ۳. ش ۴. ص ۱۹-۳۷.
۱۲. پرهام نیا، فرشاد (۱۳۹۸)، بازاندیشی هرمنوتیک در شکلگیری پژوهشهای کیفی حوزه علم اطلاعات و دانششناسی با تاکید بر دیدگاه گادامر، بازیابی دانش و نظام های معنایی، دوره ۶، ش ۲۰، ص ۱۲۳-۱۴۸.
۱۳. حاج غنی، مهدیه، احمدی، فریال (۱۳۹۴). مروری بر ادبیات اکولوژی منظر. منظر. دوره ۷. ش ۳۲. ص ۶۰-۶۵.
۱۴. رزاقی اصل، سینا، مهرداد، امین (۱۳۹۱). انطباق ماهوی میان مضامین شهر و طبیعت در اشعار سهراب سپهری با اندیشمندان حوزه طراحی محیطی. مطالعات شهری. دوره ۲. ش ۵. ص ۷۳-۷۹.
۱۵. رسایی، نورمحمد، نخ زری مقدم، علی، احمدخوانساری، وصال، و امرا، محمدعثمان. (۱۳۹۲). اگر وفارستری رهیافتی بدیل در حفاظت پایدار اکوسیستم. همایش ملی مدیریت منابع طبیعی. ص ۱-۶.
۱۶. رمضانی قوام آبادی، محمد حسین، شفیق فرد، حسن (۱۳۹۵). توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم انداز نسل های آینده. سیاست جهانی. دوره ۵. ش ۱. ص ۲۴۱-۲۷۱.
۱۷. رئوف، سید حمیدرضا (۱۳۹۷). رویکرد عرفانی مولانا به محیط زیست. تهران: موسسه چاپ و نشر عروج. ص ۱-۲۲۵.
۱۸. زاهدی، شمس السادات، نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار. مدرس علوم انسانی. دوره ۱۰. ش ۴. ص ۴۳-۷۶.
۱۹. زندگینامه سهراب سپهری + آثار و اشعار (۱۳۹۹). ایمننا. قابل دسترس در <https://www.imna.ir/news/419643>
۲۰. زین العابدین عموقین، یوسف. قربانی نژاد، ریباز (۱۴۰۱). تبیین تحولات ژئوپلیتیکی رابطه انسان و محیط زیست (چشم انداز-ارائه راهکار). انسان و محیط زیست. دوره ۲۰. ش ۳. ص ۱-۱۶.
۲۱. سلیمی کوچی، ابراهیم، سکوت جهرمی، فاطمه (۱۳۹۳). کاربرست نظریه آلوده انگاری کریستوا بر شعر «دلم برای باغچه می سوزد» فروغ فرخزاد. جستارهای زبانی. دوره ۵. ش ۱. ص ۸۹-۱۰۶.
۲۲. صالحی، صادق. فیروزجائیان، علی اصغر. غلامرضا زاده، فاطمه (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان زیست محیطی برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ش ۲۱. ص ۷۱-۱۱۰.

۲۳. عباس زاده، محمد، بشیر پور، رحیم (۱۳۹۱)، بررسی مفاهیم جامعه شناختی سکون فرهنگی: پیرسالاری و قوم مداری در ادبیات دده قورقود، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۱. ش ۴. ص ۱۰۱-۱۳۰.
۲۴. عباسی، سیما، رضایی، زهرا (۱۳۹۷). آموزش محیط زیست و شعر معاصر فارسی. آموزش محیط زیست و توسعه پایدار. سال ۷. ش ۲. ص ۴۹-۶۲.
۲۵. عنابی، علیرضا، جلالی، محمود (۱۳۹۷). محیط زیست، چالش سیاسی - حقوقی. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در تعلیم و تربیت، روان شناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی. ص ۱-۱۰.
۲۶. فروتن، عبدالرسول، مودنی، علی محمد (۱۳۹۶). نقش شاعران فارس در جنبش مشروطیت. سبک شناسی نظم و نثر فارسی. سال ۱۰. ش ۱. ص ۱۸۵-۲۰۲.
۲۷. فریادی، مسعود (۱۳۹۶). مبنای اکولوژیک اصل عمومی بودن وظیفه حفاظت محیط زیست. تحقیقات حقوقی. دوره ۲۰. ش ۷۸. ص ۲۰۷-۲۳۲.
۲۸. قاسمی، مرتضی (۱۳۹۸). بن مایه های نمادین در شعر سهراب سپهری. مطالعات زبانی و بلاغی. سال ۱۰. ش ۱۹. ص ۲۶۵-۲۹۲.
۲۹. قاضی زاده، سیده ندا (۱۳۸۳). جایگاه طبیعت در اشعار سهراب سپهری. باغ نظر. دوره ۱. ش ۲. ص ۵۵-۶۸.
۳۰. کاکویی، صالح، ضیایی، حسام. یزدان پناه، مهر علی (۱۴۰۱)، بررسی و تحلیل هرمونوتیکی اشعار حافظ. پژوهشنامه ادب غنایی. سال ۲۰. ش ۳۸. ص ۲۲۱-۲۵۲.
۳۱. گیدنز، آنتونی، بردسال، کارن (۲۰۰۳). جامعه شناسی. مترجم: حسن چاوشیان (۱۳۸۶). تهران: نی. ۱-۱۰۹۶.
۳۲. مشهدی، علی (۱۳۹۵). دولت و محیط زیست: از رویکرد های بدون دولت تا رویکرد های مشارکتی. دولت پژوهی. سال ۲. ش ۸. ص ۵۹-۸۰.
۳۳. مشیرزاده، حمیرا. هاشمی، سید فاطمه (۱۳۹۲). نقش جنبش های فراملی در تدبیر جهانی امور زیست محیطی. سیاست. دوره ۴۳. ش ۱. ص ۱۹۹-۲۱۵.
۳۴. مصطفائی، سورن، عالی زاد، اسماعیل (۱۳۹۹). رابطه انسان و طبیعت در اندیشه و شعر معاصر: مطالعه تطبیقی - جامعه شناختی شهر سهراب سپهری و مهدی اخوان ثالث. جامعه شناسی ایران. دوره ۲۱. ش ۱. ص ۹۵-۱۲۱.
۳۵. میرزابازاده فومشی، بهنام (۱۳۹۹). اخلاق زیست محیطی یا انسان محوری: بوم نقد تطبیقی با نگاهی به سپهری و امرسن. پژوهش های ادبیات تطبیقی. دوره ۸. ش ۱. ص ۴۶-۶۳.
۳۶. ولایتی، سعدالله. کدیور، علی اصغر (۱۳۸۵). چالش های زیست محیطی جنگل ها و مراتع ایران و پیامدهای آن. جغرافیا و توسعه ناحیه ای. دوره ۴. ش ۷. ص ۵۳-۷۲.

منبع انگلیسی

- ORGANISATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT (2001) The DAC Guidelines: Strategies for Sustainable Development. OECD Publications Service